

## صدای انعقاد نطفه معنی

عکس زیر به لطفِ دوست نادیده عزیزِ به‌دستم رسیده؛ در این عکس تمام نوزده کتاب منتشر شده‌ام طی چهارده سال اخیر، به ترتیب انتشار کنارهم قرار گرفته‌اند؛ از «آئین در آئینه» که اولین اثر من است و در سال ۸۴ شمسی منتشر شده، روزگاری که در انگلستان مشغول درس و مشق فلسفی بودم؛ تا «نبض خیس صبح» که آخرین کتابم است و ماه گذشته انتشار یافته است.

با دیدنِ عکس ذیل، دقایقِ غریبی را تجربه کردم؛ تو گویی روزها و ماه‌های پانزده سال اخیرِ عمرم، بسان فیلمی از پیش چشمانم رژه رفت و زمینه و زمانه نگارش هر کتاب و وقت و انرژی‌ای که صرف انجام آن گشته، در ذهن و ضمیرم زنده شد و جان گرفت و غافلگیرم کرد.

انسان معجونِ غریبی است؛ وقتی به آثاری می‌نگری که بخشی از وجود تو است؛ در عین حال از تو جدا شده‌اند و در هستی انتشار یافته و جاری شده‌اند و حیات مستقلی یافته و به ادامه دادن، ادامه می‌دهند، حسنِ مبهمی را تجربه می‌کنی. آثاری که خلق می‌کنی و از وجود تو سر بر می‌آورند، اعمّ از کتاب، موسیقی، سخنرانی، آواز، نقاشی، فیلم، تئاتر... در حکم فرزند توست؛ فرزندی که نظیر فرزند بیولوژیک ات، نشان و اثر و مهوری از تو دارد و هر کس، هر زمانی در آن نظر می‌کند، ترا می‌بیند و فرا یاد می‌آورد.

سال‌ها پیش، فروغ می‌گفت: «تنها صداست که می‌ماند»؛ هانا آرنه هم در مکتوبات خویش، از «کار» و ماندگاری و هویت‌بخشی آن در مناسبات انسانی در پهنه هستی، برخلاف «زحمت»، سخن می‌گفت. بروز و ظهور «صدا» و «کار» در عالم انسانی، متنوع و رنگارنگ است؛ از صدای خوش گرفته تا قلم روان و موسیقی دل‌نواز و فیلم خوش ساخت و دست‌گیری کردن از یک انسان نیازمند... چنانکه درمی‌یابم، شنیدنِ «صدای انعقاد نطفه معنی» در فعالیت‌های روزانه مختلف و متنوع و بر جای نهادن اموری ماندگار که رنگ و بوی من و تو را دارند، قوام‌بخش بُعد انسانی ما موجودات گوشت و پوست و خون‌دارِ پیرامونی است و متضمن از سرگذراندن تجارب بکر و بدیع و نابِ اگزستانسیل:

صدا، صدا، تنها صدا

صدای خواهش شفاف آب به جاری شدن

صدای ریزش نور ستاره بر جدار مادگی خاک

صدای انعقاد نطفه معنی

و بسط ذهن مشترک عشق

صدا، صدا، صدا، تنها صداست که می ماند

